

مجله آریه

ارگان جمعیت فرهنگی واجتماعی یهودیان ایران
تحت نظر هیئت تحریریه

یکشنبه ۲۷ مهرماه ۱۳۳۱
شماره ۵۰
برابر ۲۷ تیشری
بهاء ۲ ریال

ماز اولیاء فرهنگ، از انجمن های مدارس اتحاد و کورش میخواستیم که در سال تحصیلی جدید توجه کافی بوضع آموزش و پرورش فرزندان جامعه همذول دارند، در رفع نواقص مدارس موجود بکوشند و در توسعه و تعمیم وسائل تعلیم و تربیت اقدام نمایند

اکثریت محروم جامعه یهود ایران با اینکه در وضع اقتصادی تأسف آوری قرار گرفته است برای تأمین بودجه مدارس موجود در جامعه از خود گذشته ای نشان میدهد. گذشته از اینکه بطور مستقیم و غیر مستقیم بدوات مالیات، میرداد و بنابر این حق دارد بخواهد که دولت برای بهبود وضع فرهنگ عمومی جامعه ای اساسی بیندیشد، از آنجا که قسمت اعظم مدارس ملی موجود در جامعه بردوش تحیف و ناتوانی سنگینی میکند بخود حق میدهد روشن کار اولیاء مدارس و مسئولین فرهنگ جامعه را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

نواقص گذشته و مطرح نماید و خواسته های خود را از نظر افراد مسئول بگذراند، شاید بدان توجهی شود و روشی ولو مختصر در وضع تحصیلی فرزندان جامعه و ارتقاء سطح فرهنگ مردم پدید آید.

۱- فرهنگ ما از لحاظ برنامه بسیار عقب مانده است.

این عقب ماندگی مختص به فرهنگ جامعه یهود ایران نیست، بطور کلی برنامه تعلیم و تربیت در سراسر کشور متناسب با قرون گذشته تاریخ است و بنا وضع کنونی جهان مطابقتی ندارد.

سازمان بهداشتی یهودیان ایران

اخیرا سازمانی بنام فوق از طرف ۹ نقر از اطباء جوان جامعه تا برای کمک ببهداشت جامعه یهود تشکیل گردیده است. سازمان مزبور با اعلامیه زیر تشکیل خود را اعلام نموده است:

همکیشان ایران!
همانطور که در محیط خانواده هر فردی در انجام وظائف خانوادگی خود کوشا است و در بهبود وضع داخلی خانواده خود نهایت جدیت و مراقبت را بکار میبرد همان نیزان در هیئت اجتماع نیز که خود خانواده بزرگی است وظائف و مسئولیت هائی بعهده افراد است که اگر کترین قصوری در انجام آنها واردند مشکلاتی تولید میشود که نتیجه اش پیشانی ها و خسارات غیر قابل جبران است.

بطور خلاصه حوادث دوران حیات اجتماعی و ملی ما بهترین نمودار این مسامحه ها و عدم انجام وظیفه ها است. رشته حیات اجتماعی ما بگرات در جرخ حوادث بهم تائیده شده ولی از آنجاییکه قدرت فوق الطبیعی ای همواره نگهدار و نگهدار ما بوده و هست این رشته از هم نگسیخته و هر زمانی نوعی این مشکلات و معظورات منتفی شده است. ولی چنانکه ذکر شد افراد اجتماع نیز در رفع این معظورات و مشکلات سهم بسزایی دارند و چنانچه فردی در انجام وظیفه اجتماعی بقیه در صفحه ۴

ملت ایران هزارمین سال تولد بوعلی سینا فرزند دانشمند خود را جشن میگیرد

این روز هادز سراسر جهان بخاطر هزارمین سال تولد بوعلی سینا دانشمند بزرگ ایران جشن ها و مراسمی بر گزار می شود، شورای جهانی صلح در جلسه آبانماه سال گذشته خود دروین تصمیم گرفت هر سال در سراسر جهان مراسمی بنسبیت تجلیل و تکریم از نوابغ و بزرگان جهان برگزار گردد.

امسال بابتکار این شورا هزار سالگی و ولادت این سینا جشن گرفته میشود.

بدین ترتیب کمیته بین المللی مرکب از شخصیت های معروف علمی جهان بریاست یکی از مردان فرهنگ دوست ایران استاد سعید نفیسی تشکیل گردید.

استاد نفیسی پیامی برای ۸۷ تن از مشاهیر و علمای ۳۸ کشور مختلف جهان فرستاد و آنها را دعوت کرد که در مراسم این سینا شرکت کنند و آنان نیز قبولی خود را اعلام کردند.

بنابر تصمیم کمیته ملی یادبود هزاره بوعلی سینا هفته آخر مهر ماه بتجلیل و تکریم فیلسوف و طبیب و نویسنده نامی شیخ الرئیس ابوعلی سینا اختصاص یافته است.

شیخ الرئیس بوعلی سینا در سال ۹۸۰ میلادی در شهر کوچک افشنه واقع در بخارا متولد گردید.

پدر بوعلی کمی بعد از تولد این سینا در شهر بخارا اقامت گزید و در این شهر بسرش بتحصیل علم پرداخت و تربیت شد. معلومات و تحصیلات آن عصر شامل

فرا گرفتن خواندن و نوشتن عربی و مخصوصا صرف و نحو شعر عربی و علوم یونانی و ریاضیات و نجوم و علوم طبیعی و طب و اصول موسیقی و فلسفه بود.

ابوعلی سینا از همان ابتدای جوانی کلیه علوم عصر خود را فرا گرفت و حتی از استادان خود هم پیش افتاد و خود شروع بپنشنه و تتبع میکند بطوریکه هنگام فوت پدرش، بوعلی سینا استقلال فکری کامل یافت و فیلسوف و طبیعی دان و طبیب مطلق شده بود.

درین موقع بوعلی بخار را ترک گفته و در خوارزم در شهر گرگان اقامت می کند. هنگام اقامت در خوارزم سلطان محمود غزنوی او را مجبور باقامت در دربار خود مینماید.

ولی بوعلی سینا سرگردانی و بیابان کردی را بر اقامت در دربار محمود ترجیح داده و از راه بیابان از گرگان خارج شده و رهسپار ایران میگردد.

سلطان محمود کوشش میکرد تا این طبیب خود سر را دستگیر نماید.

این سینا در سال ۱۰۰۹ موفق شد که بایران آمده و در شهر جرجان کنار بحر خزر اقامت گزیند.

سپس در سال ۱۰۱۵ بدر بار آل بویه (ری و اصفهان) و سپس بدر بار سلطین کاکویه پیوست مدتی شغل صدارت داشت و متوالیا در شهر همدان و اصفهان بسر برد و بالاخره در سال ۱۰۳۷ در سن ۵۷ سالگی طی یکی از بقیه در صفحه ۴

احزاب اسرائیل را بشناسید

حزب کمونیست اسرائیل

«مکی»

این اتخاذ مستحکم گردید. از این پس حزب مزبور بنام «حزب کمونیست اسرائیل» شناخته شد.

حزب کمونیست بطور مداوم کوشش میکند که با حزب میام جنبه واحدی که دارای برنامه مبین و محدودی باشد تشکیل دهد.

این اتخاذ مستحکم گردید. از این پس حزب مزبور بنام «حزب کمونیست اسرائیل» شناخته شد.

حزب کمونیست بطور مداوم کوشش میکند که با حزب میام جنبه واحدی که دارای برنامه مبین و محدودی باشد تشکیل دهد.

این اتخاذ مستحکم گردید. از این پس حزب مزبور بنام «حزب کمونیست اسرائیل» شناخته شد.

حزب کمونیست بطور مداوم کوشش میکند که با حزب میام جنبه واحدی که دارای برنامه مبین و محدودی باشد تشکیل دهد.

بقلم اسحق ساده

فداکاری یا انجام وظیفه

همان نزدیکیا پنهون شدیم. ولی احساس خطر کردیم و فهمیدیم که بوبردن کجا مخطی شدیم، لذا از آنجا هم فرار کرده من بجهله خود را با بیچارگی و بیچارگی گنا. میتونی نزدیک من پنهون بشی؟

نہا - ۱۴۱۴ ممکن نیست من اینجا بمونم - بائن ازت حفاظت کنیم، نباید ترا لو بدیم

نہا - پس توجی خواهی کرد

نہا - آنها همه جا را تفتیش میکنند، اینجا هم خواهان اومد باس هر چه زودتر از این مکان برم

نہا - اما کجا میری؟

نہا - آخر یکجایی میرم. (لباسهایش را بالای زده و از لای دستمالی که بیایش بسته بود چند شناسنامه بیرون می آورد) این شناسنامه ها را برای منم آورده ام صاحبانش بدست پارتیزانهای روس اسیر میباشن. ابدأ هیتلر بها نیدونن که این آلمانها اسیرن

نہا - خیلی خوب شد که آوردی - اما تو حالا چی میکنی؟

نہا - من ... بالاخره پنهان میشم - خیالم چقدر راحت که تو نستم سچل ما رو سالم برشونم.

نہا - کجا پنهون میشی؟ من میتونم کجکی بهت کنم

نہا - خیرا هیبتا هم بتونم فرار کنم ایدا ممکن نیست!

از هر طرف باین خونه هجوم کردن حتی گرچه هم نیتونه در ره، چن دقیقه دیگه اینجا خواهان بود.

نہا - اونوقت تسرا که دستگیر میکنی!

نہا - آره، هیچ کجا نیشه مخفی شد حتماً بدست اونا خواهم افتاد

نہا - اما ...

نہا - نه ... نیکندارم منو دستگیر کنن، بیایای طبقه چهارم میرم و از اونجا خودم رو بیابین برتاب خواهم کرد.

فقط جسم بدستشون میافته.

نہا - نه ...

نہا - خیرا غیر از این چاره نیست، خوشحال که شناسنامه ها را بقصد رسوندم

نہا - شاید تو رو پنهون کنم

بقیه در صفحه ۳

انجمن اسرائیل

تلگراف تبریک حزب «میام» به نوزدهمین سالگرد اتحاد شوروی - آیا دولت ماوراء اردن پایتخت خود را بیروشلیم عربی منتقل خواهد کرد - آمادگی دولت شرقی آلمان در پرداخت غرائم جنگی یهودیان - سخنرانی «برزلی» نماینده حزب میام در ششمین سال تاسیس حزب سوسیالیست ایتالیا سازمانهای اسرائیلی از دولت اطیش ۱۴ میلیون لیره استرلینگ غرامت میخواهند.

تلگراف تبریک حزب «میام» برای نوزدهمین سالگرد اتحاد شوروی کمونیست اتحاد جماهیر شوروی تل آویو - کمیته مرکزی حزب کارگران متحد (میام) این تلگراف را بنوزدهمین سالگرد اتحاد شوروی مخابره نموده است: بنام انبوه کارگران بنیادگذار وطن ملت اسرائیل، معتقدین باصل برادری بین ملل عرب و اسرائیل، رهبران نهضت صلح و طرفداران دوستی با اتحاد جماهیر شوروی، بکنگرسه تاریخی شاد و دروید آتشین و برادرانه میفرستیم.

آیا دولت ماوراء اردن پایتخت خود را بیروشلیم عربی منتقل خواهد کرد؟

امان - روحی عبدالهادی وزیر فرهنگ و دفاع ماوراء اردن و رئیس کمیته امور مساکن بیروشلیم عربی، ضمن گزارش که بنحست وزیر آن کشور تسلیم نموده، بدولت اردن پیشنهاد کرده است که ادارات و موسسات مهم دولتی را بیروشلیم منتقل نماید.

این پیشنهاد هنوز بتصویب هیئت وزرای کشور اردن نرسیده است.

بقیه در صفحه ۴

تذکر دوستانه

در شماره گذشته عالم یهود توضیحی درباره نکته مندرج در بنی آدم درج شده بود که در خود توجه میباشد.

واقفاً اگر نویسندگان عالم یهود معتقد نیستند که امریکا بطوریکه در اطراف آن تبلیغ مینمایند مهد دموکراسی نیست و هنوز قوانین ضد بشری و فاشیستی و نژادی در آنجا حکمفرما است، پس بچه علت نظریات شخص مغرضی را در صفحات روزنامه خود منعکس میکنند.

بقیه صفحه ۴

حزب کمونیست اسرائیل «مکی»

بعقیده این حزب متحد نمودن و سازمان دادن بیک جنبش کارگری مترقی، نیرومند برای دفاع ازمنافع طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و دفاع مشترک ازاستقلال ملی و نجات ملت ازخطر بحران وودشکنجی اقتصادی ضرورت تاریخی دارد. ولی عده‌ای ازگردانندگان حزب «میان» با تشکیل چنین جبهه واحدی مخالفت و امتناع می‌ورزند.

حزب کمونیست معتقد است و تاکید میکند که درپیش گرفتن رویه تبعیض نسبت باعراب اسرائیل عوامل استعمار در کشورهای عربی کمک میکند که هرچه بیشتر توده‌های عرب را در آن کشورها برضد اسرائیل تحریک و تحریر نماید و ازاینراه خطرات نزرگی برای اسرائیل ایجاد کنند که (نمونه آن تاسیس «ساردملی» درشرق الاردن و قسمت اشغالی فلسطین بدست گلوب پاشا فرمانده انگلیسی لژیون عرب است.)

بر عکس اتخاذ یک سیاست صحیح دموکراتیک نسبت به یهود و عرب اسرائیلی بطور کلی زمین را زیر پای استعمارگران و عوامل آنها در کشورهای عربی لرزان خواهد گردید و عرب برادر یک صف واحد قرار خواهد داد و مبارزه آنها را در راه تامین استقلال و صلح واقعی نیرو خواهد بخشید.

بعقیده این حزب رویه سیاسی احزاب طرفدار ناسیونالیسم بورژوازی و شونیست ها (ملت پرستان کاذب) و سیاست تبعیض

آنها نسبت باعراب و عدم اتخاذ یک روش دموکراتیک از طرف دولت نسبت توده عرب و یهود بطوریکسان، این نتیجه را بیار خواهد آورد.

که توده عرب فریب تبلیغات عوامل استعمار را بخورد و وسیله اساسی برای تهدید کشور اسرائیل از طرف استعمارگران امریکایی و انگلیسی قرار گیرد. امریکا دائماً کوشیده است دولت اسرائیل را مرعوب یک «تجاوز احتمالی» گرداند و طبقه حاکمه اسرائیل را وادار بیبروی از منویات جنگ طلبانه خود سازد.

حزب کمونیست اسرائیل معتقد است که جنبش دموکراتیک کشور اسرائیل باید توده عرب را بسوی خود جلب نماید. هرگاه تسامحی در این وظیفه رخ دهد اقلیت عرب از توده زحمتکش یهود جدا بماند لقمه آسانی برای تجاوز استعمارگران خواهد بود.

حزب مزبور مسئله صلح جهانی و صلح اسرائیل را مافوق مسائل دیگر قرار میدهد. و از اینرو با کلیه احزاب دیگر که علناً از جنگ جانبداری نموده و یا جنبش صلح را هنوز مستحق اینکس در رأس مسائل مهم قرار گیرد ندانسته اند اختلاف نظر فاحشی دارد.

بعقیده این حزب تامین صلح جهانی و عقد پیمان صلح از طرف پنج دولت بزرگ ضامن بازگشت آوارگان فلسطین بوطن اصلی و تاسیس دولت مستقل عربی (در قسمت دیگر فلسطین) و رهایی توده های عرب و یهودی از شکنجه و فقر و بیکاری است و دست عوامل استعمار را از کشور اسرائیل کوتاه خواهد نمود. تحت رهبری حزب کمونیست اسرائیل چندین دموستراتسیون مصلحت (عرب و یهودی) در خیابان های

«براک» با افاده سرش را تکان داد و آتشی از نفرت وجود اسپارتاک را فرا گرفت چنانکه کفتی یکی از آن چاقو های تیز بر بدن وی خراش جانگناه وارد ساخته است. اما او خوبش را نگه داشت و مانند ناظر غریبه و بیطرفی بشامش ادامه داد. گلادیاتور هاسلاحها را انتخاب کردند و سپس از نظر اسپارتاک ناپدید شدند زیرا از شکاف تخته تمام محوطه صحنه را نیشد دید.

اما اسپارتاک میدانست که اکنون آنها در کدام نقطه ای ایستاده اند و بدون اینکه به بیند، میتوانست حتی جزئیات حرکات آن ها را در نظر مجسم کند.

بقیه از صفحه ۱
حیفا و تل‌آویب با داشتن شمار های صاف و برادری ملل براه افتاد و از این راه مشقت استعمارگران دروغ زن را که بی شرمانه ادعا میکرده اند که یهودیان و اعراب نی توانند در کشور واحدی با صلح و صفای همزیست باشند باز نمود.

حزب کمونیست از آن احزابی نیست که برای تیره محرومیت بیکاری و شکنجه کارگر عربی «توری» اختراع کند. حزب کمونیست برای مساوات کارگر عربی با برادر یهودی خود در سازمان، رفتار و دستمزد و شرکت در (میتدروت) اتحادیه کارگران مبارزه می کند.

و شعار «کار برای هر کارگر» و «حق رفت و آمد برای همه هموطنان در تمام سرزمین وطن» را در بالای سر بلند مینماید. مبارزه روزانه این حزب برای القای حکومت نظامی در مناطق عربی نشین و بالا بردن قیمت خرید محصول دهقانان عربی و شعار «زمین برای هر دهقان نظرحده کثیری از زحمتکشان یهود و عرب را بسوی این حزب متوجه نموده است.

همچنین حزب کمونیست بر ضد هر گونه تبعیض و شکنجه و برای پذیرفتن کارمندان عربی در ادارات و مساوات آنان با کارمندان یهودی مجدانه مبارزه مینماید. ایست بعضی از وجوه مبارزه حزب کمونیست نسبت با موریکه با اعراب و یهودیان تعلق دارد.

اما بطور عموم حزب کمونیست اسرائیل برای رهایی صنعت و تجارت محلی از رقابت بیگانه و جلوگیری از ورود سرمایه بیگانه که همیشه در پیشانی استعمار و دخالت بیگانه حرکت می کند مبارزه میکند. و افکار عمومی را برای ایجاد روابط بازرگانی وسیعی با اتحاد

ایستادند و بدون اینکه به بیند، میتوانست حتی جزئیات حرکات آن ها را در نظر مجسم کند.

اینک آنها بیکدیگر مینگرند و در حالی که باطناً ترس و به ارادگی محکومین بر آنها مستولی است و هر یک ده قدم فاصله ای که آنها را از هم جدا میکند با چشم اندازه میکبرد.

خام میشوند و از زمین سب برداشته و با آن دسته های چاقو و کف دست هارا مالش میدهند. سپس هر دو کمی راست میشوند، عضلات بدنشان منقبض گشته و قلبشان مانند بتک صدا میکند.

مربی سوت بفره ای را بلب نزدیک کرد. و گلادیاتور ها مجدداً در مقابل چشم اسپارتاک قرار گرفتند. با بدن های عربیان در حالیکه خنجر های درخشنده را در دست راست خود میفشردند بصورت دوسب، فاند احساسات و علائم بشری، برای دریدن بیکدیگر آماده گشته اند. اینها مانند حیوانات درنده در روی شنه های گرم میچرخند و گاهی برش کوتاهی می کنند. جوش - باهم گلاویز شدند و دوباره با یک حرکت تشنجی از یکدیگر جدا شدند... رومیان کف زدند.

شیاری از خون مانند شال سرخ رنگی بر سینه یهودی حمایل شد.

اما هیچک متوجه خود نیستند. هردو چنان بهم نظر دوخته اند، چنان بر محور نامرئی مربوط شده اند که گویی اکنون تمام جهان بدور این دو میگردد. زمان از حرکت باز ایستاده و تمام تجارب بقاء و زندگی در این ساعت، در این بیکار و حشتناک و تلاش متقابل متمرکز شده است.

جماهیر شوروی و کشورهای دموکراسی توده ای اروپای شرقی و ملی کردن بانک ها و صنعت پتاس و نفت دعوت می کند.

همچنین مبارزه سهمگین و بی کبری را بر ضد برنامه تسلیحات که قسمت اعظم بودجه کشور را بخود اختصاص داده است در پیش گرفته است حزب مزبور نیت خواهد سرزمین اسرائیل پایگاه جنگ تجاوز - کارانه جدیدی که استعمارگران انگلو آمریکن بر ضد اتحاد شوروی تهیه می بینند تبدیل کرد. و او سعی می کند که بوجی «بهاه دروغ» استعمارگران را که میگویند اسرائیل باید در برابر «تجاوز احتمالی» کشور های عربی صلح گردد بر ملا سازد این «تجاوز احتمالی» را خود استعمارگران و عوامل داخلی آنها تهیه می بینند که دعوت برای تسلیح و توسعه طلبی را از دهان احزاب طرفدار دولت که از جمله حزب میای و هیروت و صهیونیهای عم حی و جبهه مذهبی بیرون میکشند و بدینوسیله بهانه بدست مزدوران خود در کشورهای عربی میدهند.

در حالیکه حزب کمونیست برای حق تعیین سرنوشت ملت عربی و تاسیس دولت مستقل آن در قسمت عربی و بازگشت آوارگان مبارزه میکند. در زمینه مسائل حاد روزانه زحمت کشان اسرائیل از قبیل تهیه نان و کار و مسکن برای همه، تامین آزادی عقیده مذهب، اجتماعات و قلم و انشاء حکومت نظامی در مناطق عربی نشین باشادت و بی گیری مبارزه میکند. و مبارزه خود را چه از راه تربیون (کنست) پارلمان و چه در میان توده ها برای تامین حقوق دموکراتیک که در اعلامیه حقوق بشر ذکر شده است دنبال مینماید. از جمله حزب مزبور در برابر

او فقط یک زخم بر سینه دارد اما هر حرکت دیگری که بکند برایش بقیبت از دست دادن مقداری خون تمام میشود ناگاه او دشنه خود را بکف صحنه پرتاب میکند چاقو در زمین فرو میرود و لحظه ای چند در حال لرزش و نوسان است.

اما یهودی سرخود را پایین افکنده و ساکت و آرام بر جای مانده چنانکه کفتی بسنگ مبدل شده است. فراکیاتی بزانو در میآید. رومیان همچنان بداد و فریاد ادامه میدهند و باناخن های خود دیواره لوز را چنگ میزنند.

ناظر غلامان در حالیکه شلاق بلندی که از چرم گاو تر ساخته شده است در دست دارد باجست و خیز. میدان صحنه را طی میکنند. سربازان نیز بدنبال او شتابان میآیند. سسک کشف حمله کن،

و ضربات متوالی شلاق بر پشت یهودی فرود میآید. - یا الله بجنک ضربه پشت ضربه و هر ضربه موحش جانگناه تراز قبلی نواخته میشود، اما گلادیاتور از جای نمیجنبند.

در این میان فراکیاتی روی شن زار می افتد، به پشت بر میگردد ناله ضعیفی از تن مجروح او بر میخیزد و سپس جان تسلیم میکند. ناظر از شلاق ژدن یهودی دست میکشد.

... مرد سیاه پوست زمان مدیدی است که در کنار اسپارتاک ایستاده و از شکاف در ناظر جریان یافته است که روی صحنه میگردد او و اسپارتاک هر دو در این منظره را می بینند اما هیچ یک سخنی نمی گویند. «باتیات» بادستچکی بسوی لومیدوید. او میخواست ضمن تیره خود برومیانی که بول کلانی پرداخته بودند، توضیح دهد که چرا یهودی ضربت آخر خود وارد ساخت و چرا فراکیاتی را گردن نبرید با اینکه در آن صورت فوران خون و رنگ آمیزی آن خانه مبارزه را شکوه می بخشید...

اما «براک» در حالیکه بیاله شراب را در دست داشت، بسا قیافه آرامی جلوی «باتیات» را گرفت.

- «لانیستا» هیچ نگویید. زیرا منظره جالبی بود. بیش از این نباید انتظار داشت.

- دستگاه همراهه جامیشناسند، من...
- مرده شوی دستگاه ترا ببرد!
- من میخواستم بتو بگویم، که یهودی را بیاوردی اینجا.
- او را تنبیه نکن. میشنوی؟ هنگامیکه انسان خوب میچنگد همین کافی است.
- اینطور نیست؟ او را اینجا بیاور.

«لیوسی» با نرید پرسید:
اینجا! اما...
بقیه دارد

مصوب قانون تأیید جدید بطوراصولی مخالفت و اعتراض نمود.

این قانون که در تاریخ ۱۴ ژوئیه گذشته بتصوب رسید روی پایه تبعیض نژادی هزاران هزارتن هموطنان عرب را از حق داشتن شناسنامه اسرائیلی محروم نمود. بعنوان اعتراض و مخالفت با این قانون چندین دموستراسیون، کنفرانس و نشریه داده شد ولی تمام با مقاومت خشن پلیس روبرو گردید.

اما نسبت بحفظ صلح و تقویت آن در خواورمیانه عقیده حزب بر این است که باید در برابر تسلط روز افزون استعمارچه از لحاظ نظامی و چه از لحاظ سیاسی در شرق میانه مقاومت نمود.

زیرا بسط تسلط استعمار استقلال اسرائیل را خفه می کند و تهددات سیاسی و اقتصادی ناشی از آن بدبختی و تیره روزی را برای ملت اسرائیل در پشت سر دارد. اما خطر مستقیم در زمان حاضر همانا کوشش در کشیدن اسرائیل بفزماندهی خاورمیانه و به معنی دیگر اشغال سر زمین اسرائیل است و امری چون صف واحد نیرومندی باین کوشش مخالفت و مقاومت می کنند. در این مبارزه حزب کمونیست سهم بسزایی دارد. همچنین حزب از کلیه زحمتکشان و نیکمندان اسرائیل دعوت می کند که بسا کلیه ملل شرق میانه در راه صلح و سرکوب نمودن اتحادیه تجاوزکارانه همگام گردند. و این عمل را وظیفه غیر قابل فوتی برای حفظ منافع مردم اسرائیل میدانند. برای بیان اهمیت مبارزات حزب کمونیست اسرائیل در راه حفظ صلح و سرکوبی نقشه های تجاوزکارانه در شرق میانه و تهیه نان برای مردم کافی است یاد آور شویم که کنسره دیپلماتهای امریکایی متعقد در استانبول (چند ساه پیش) « ضرورت انحلال حزب کمونیست اسرائیل را» توصیه نموده است.

ترجمه: مهر

از: هوارد فاست

نویسنده شهیر آمریکائی

اسپارتاک

امداد تمام دست فراکیاتی نوار سرخی امتداد دارد. بازهم در فاصله ده قدمی بیکدیگر را با چشم میخورند و از خشم میلرزند. تن آنها بخون، عرق، چربی آغشته گشته، و خون از بدنشان میچکد و بر شنزار فرو میروند.

بیکباره فراکیاتی خود را جلومی اندازد. در حالیکه تیفه چاقویش در فضا برق زد، او خود را روی یهودی انداخت - اما یهودی با حرکت سریع یک زانویش را زمین مینهد - و فراکیاتی از بالای سرش معلق زنان پرتاب میشود و هنوز بدنش بزمن نرسیده بود که یهودی در کنارش قرار داشت.

لحظه موحش و خطرناکی فرا رسیده بود. مرمک بر بالای سر فراکیاتی پرواز میکرد. او بخود می پیچد روی شنه میفلطد و با هاهای عربان دشته و حشتناک را از خود دور میسازد، یهودی میبرد، میدرد و ضربات متوالی فرود میآورد اما حرکات سریع ویاس آمیز فراکیاتی مانع از آن است که یهودی ضربت کاری را بر او وارد سازد.

فراکیاتی از نو بپا خاسته است. بدن خون آلودش چنان می نماید که گویی لباس سرخ رنگی بر تن وی پوشانده اند او جستی بی معنی مینهد و گرچه خود را سر با نگه میدارد اما بیداست که نیرو و توانایش رو باتمام میروود وی قواء خود را در زیر ضربات دشته یهودی طی مقاومت های یاس آمیز از دست داده است.

او در حالی که سعی دارد تمادل خود را حفظ کند با یکدست هو را میگیرد و در دست دیگر دشته را میفشرد و باهرکاتی شبیه بحرکت ناپینایان سعی دارد جلوحملات حریف را بگیرد. ولی یهودی در گوشه ای بیحرکت ایستاده است و درصدد حمله و جنگ دیگری نیست و اساساً دیگر حمله ای لزوم ندارد. فراکیاتی غرق در خون است این عصاره حیات است که قطره قطره از بدنش خارج میگردد و بر مانداب خونینی که در کنارش روی شنزار گسترش یافته است فرو میریزد.

ایمانه، درام مرمک و زنده گی هنوز باخر رسیده است! رومیانی که تنه خود را از لوله دیوار لوز بجلو انداخته اند با صدا های نازک و بم آمیخته بخریخر بسا لحنی تحکم آمیز داد و فریاد مینهند.

- بربر! حمله کن! حمله کن!
گلادیاتور یهودی همچنان صامت و بیحرکت بر جای مانده است

بهر گوشه و کناری سر میزن و منو حتما پیدا خواه کرد. این خود درد سری برای تو خواهد شد
 لسا - اما من بددیگای عیسوی هستم
 نها - منم مثل تو شناسنامه عیسوی داشتم
 لسا - ولی به شناسنامه من سوعظنی نمی توان برد
 نها - سابقاً سوعظن نداشتن اما حالا بی بردن که امضاها تقلبی است.
 لسا - بمن شك نخواه کرد و فخرش هم نمی کن
 نها - شاید فخرش را بکنتن و اینجا راهم جستجو نمایند.
 من میرم ...
 لسا - چطو بگذارم تو بری و کیز بیفتی
 نها - لباس مرا نزد تو ببین و به تو شك کن.
 (سکوت)
 نها - (حرکت سریعی میکند) لسا ! يك راهی بنظرم رسید...
 لسا - که فرار کنی؟
 نها - نه. هیچ راه فرار ندارم. اما تو ...
 لسا - ترس من در معرض خطر نیست
 نها - بعض رسیدن آلمانها ، تو سرعت بدو پائین نزد او نها
 لسا - برای چه ؟
 نها - برو پائین و مکان منو به او نها بسگو
 لسا - نمی فهمم !؟ برم پائین جای ترا باونا بگم .
 نها - من میرم بالای پشت بوم و تو بجله برو نزد او نا و بگو من کوچا هستم .
 لسا - این چه حرفیست ؟ برای چه برم . برای اینکه خودمو نجات بدم . من از این کار سردنیام
 نها - تصمیم قطعیست . برای من تنها راه همینه ، و تو از این راه میتونی سوعظن او نارو نسبت بخودت برطرف کنی و مختصاً نه فقط منزلتو بازرسی نخواه کرد بلکه درباره شناسنامه ات هم سوالی نمیکنن .
 لسا - بگذار بازرسی کنن ، بگذار بیرون که من کیم
 مگه چه چیز من بهتر از تو هست که باس توبیری ومن ...
 نها - این حرفا بتو مربوط نیست فقط بدون که شناسنامه های منم نزدتوس و جان او نا درخطر

لنا - بنا بر این مجبورم پائین برم
 نها - مجبوری... چاره دیگری نیست
 لسا - اینطور؟ اینم باس انجام بدم؟
 نها - (از پنجره بخارج نگاه میکند) هنوز نسیدن، لحظه ای وقت هست
 لسا - شاید... شاید با تووم اینسا بتونی ...
 نها - همه اطراف رو محاصره کردن، دقایق پیش نونده
 لسا - شاید در همین دقایق وضع عوض بشه
 نها - (در حالیکه لسا را در آغوش میگردد) لسا چند مایلم که زنده باشم. هنوز ۱۹ سال بیشتر از عمرم نیگذره
 لسا با وجود این ...
 نها - همه جوانب را سنجیده ام. چاره ای نیست. منو که نمیشه نجات داد، اقلای دیگری را باس نجات بدم (از پنجره بخارج نگاه کرده و میخواید برده هارا بکشند)
 لسا - نه بگذار برده بازباشه
 نها - برده... تومی دوتی. در منزل ما هم همینطور برده داشتیم.
 لسا - منم این رواز منزل آوردم
 نها - پدرم تاجر بود و برده ها رواز لایبزیك آورد
 لسا - از کجا این برده ها بمنزل ما اومد نمی دانم
 نها - و مادرم ...
 لسا - راسی اسم مادرت چی بود؟
 نها - اسمش کبیل بود.
 لسا - شما اهل بندزین نیستین
 نها - چرا از بندزینیم
 لسا - نام فامیلت کرو بیج نیست
 نها - از کوجامیدونی
 لسا - مادرم در باره یکی از دوستان همدرش زیاد صحبت میکرد.
 نها - منم در باره تو و خواهرت از مادرم چیزها شنیده بودم (بطرف پنجره نگاه میکند) او نا رسیدن، باس هر چه زود تر برم بالا. شناسنامه هارو که بتو سپردم لسا.
 لسا - لحظه ای صبر کن، میخوام مطلبی بهت بگم.
 نها - وقت تنگه، او نا باس مرو اینجا پیدا کن من میرم.
 لسا - میری بالا - نها
 نها - (دست لسا را میگردد) زود برو بالانها اطلاع بده که من فرار کردم (از اطاق بیرون میرود) باهم میرویم
 لسا - (در حالیکه چنگی ببوهای خود میزند) باهم میرویم.
 (همدیگر را در آغوش میگیرند و بلافاصله از هم جدا میشوند. مدتی صحنه خلوت میشود.
 سپس قدمهای سنگین بگوش میرسد.

فداکاری

مانده از صفحه ۱

لنا وارد اطاق شده و روی صندلی راحتی می افتد.
 از خارج صدای دانك ، دانك شنیده میشود. کلمات توام بناسزا شنیده میشود.
 لسا - (با اضطراب خاطر همان کلمات را تکرار کرده و با خود صحبت میکند)
 چه کردی لسا؟ این عمل را ناچار بودی بکنی (قطع میکند)
 من نمیتونم، دیگه نمی تونم طاقت بیاورم.
 این قوه را در خود سراغ ندارم (بطرف پنجره رفته برده ها را میاندازد. اطاق در تاریکی فرو میرود.
 افسری آلمانی وارد اطاق میشود اطاق را از زیر نظر گذرانده میخواید بشنیدن. ولی بسوی پنجره میرود تا برده ها را بالا بزند.)
 افسر - خانم اجازه میدن
 لسا - نه نه میخوام که برده ها اقتاده باشند.
 افسر - مثل اینکه خانم تاریکی رو دوست دارن
 لسا - بله میخوام کمی اطاق تاریک باشد.
 افسر - (روی صندلی می نشیند و یا دستمالی که از جیب بیرون می آورد صورتش را پاک میکند)
 چند دقیقه هم برای خاطر این دخترای جهود راحتی نداریم.
 لسا - بالاخره او رو دستگیر کردین افسر - او رو دستگیر تونسیم بکنیم این حیون خود شو از پشت بوم پائین انداخت و تیکه تیکه شد.
 لسا - اینطور! تیکه تیکه شد! بنا بر این شما خوشحالین که يك جهود کمتر ...
 افسر - او نه فقط یه دختر ساده جهود بود، بلکه یه فاحشه باربیزان بود.
 لسا - (با عصبانیت) - آقا چه گفتن ؟ فاحشه! ...
 افسر - بله شاید هم پیش از اینها لسا - حتی پیش از این
 افسر - یه گروهان ۱۲۰ نفری افسریه گروهان ۱۲۰ نفری سرباز آلمانی باسی دنبال دختر جهودی بدون لسا - اینقدر لازم نبود.
 افسر - در صورتیکه در این مدت این گروهان میتوان صد ها از این جانودان رو نابود سازن
 لسا - بنا بر این چرا بتعقیب او رفتین
 افسر - این عجوبه خطرناک نمکن بود خدمات زیادی بجا بزند.
 لسا - آخر چطوره؟
 افسر - خانم مطلعید که اغلب اوقات دختری جهود در بین مامیان لسا - چطور! دختری جهود و بین شما

افسر - بله. در بین ماکسانی یافت میشن که جهت او نا شناسنامه قلابی درس میکنند. او نا هم قیافه خود شونو مثل لهستانیها و آلمانها میارن بطوریکه هیچ شناخته نیستن
 لسا - من باورم نمیشه. یه دختر جهود نمیتونه قیافه اش رو تغییر بدهد، از حرکاتش معلوم میشه، صحبت کردنش واضح میکنه که جهوده
 افسر - خانم نیدونید که اینها چه هجایی حسن حیله کری او ناحتی افسران دارم ...
 لسا - حتی افسرای کشتابو
 افسر - مطلب واضح نیست. حتی افسر کشتابورو، امانه هر که رو، مثلاً من یه حس مخصوصی دارم او نا ایدا نمیتون منوکول بزین، من خیلی زود جهودا رامیشناسم ولو قیافه شان رو بکلی تغییر دهن.
 من بسابو کشیدن او نا رو خواهم شناخت.
 لسا - (با قیافه تسخیر آمیز) این موضوع خیلی جالبه
 افسر - چن نفر او نارو نابود کردم . حتما خانم از شنیدن این مطالب خوشحال میشن؟
 لسا - چرا آقا اینطور فکر میکنن؟
 افسر - برای اینکه خود خانم بادستش جهودی رو باسپرد از قراریکه میگفتن این سگ توله خیلی از خود گذشته و شجاع بود.
 لسا - فرصت نکردم خوب او رو به بینم
 افسر - خانم باس درک کنن، من میتونم نه تنها از جانب خودم بلکه از طرف هریخو حتی فورد و کلیه افسران از شما تشکر کنم. زیرا هیچ چیز خطرناکتر از این جاسوسه ها برای ما نیست
 از شما ابراز تشکر کنم « زیرا هیچ چیز خطرناکتر از این جاسوسه ها برای ما نیست»
 لسا - چطور ممکنه یه دخترک جهود با اوراق تقلبی این چنین با دتس با عظمت آلمان صدمه بزند
 افسر - خانم متوجه هستن که این اوراق تقلبی رو مدتی درس میکنن و به موثرترین نقاط سیاسی و سری کشتابودست میانن. کی میدونه او نا در آنجا ها چه مشاهده میکنن، چه معلوماتی کسب مینماین که برای مبارزه علیه ما موثر واقع میشه

او نا بهترین ارتباط با دشمن ما دارن ، همه قسم اخبار رو دردسترس دشمن میزادن گذاشتن همین اسرار در دست دشمن خطرناکتر از یه گروهان چتر بازرسیس.
 لسا - آقای افسر اگراق میفرمایین افسر - نه بجان خانم . من اگراق نیگوییم . آنجیزیکه برای خود من رخ داده شرح دادم ، شما میدانید خانم که من وظیفه ام نیس چیزی در این باره بگویم و باس سکوت اختیار کنم .
 لسا - البته وظیفه شماست که سکوت کنین .
 افسر - از آن هنگام که این اتفاقات افتاده بیش از اندازه احتیاط می کنیم که هر کسیرو بداخل کارهای خود راه ندهیم ، مگر اینکه او رو خوب بشناسیم و عملیات او رو در گذشته بنفع خود تشخیص بدیم .
 لسا - یعنی چطور باس ثابت کنه افسر - مثلاً خود خانم که با دس خودش یه جاسوسه جهود رو باس سپرد .
 لسا - این که جسدش رو فقط بدس آوردین .
 افسر - باشه ! اهمیت ندارد . نفس عمل ایمان شما رو نسبت به ما ثابت میکنه . (لحظه ای سکوت) يك فکر خوبی دارم قبل از هر چیز ممکنه بفرمایین اسم خانم چیست ؟
 لسا - اسم ، بدویکا یه زیا
 افسر - برای من هیچ سخت نیست که سفارش شما رو بکنم .
 لسا - احتیاج سفارش نداشتم !
 افسر - برای مثل عرض نمودم
 لسا - (اتفاقی) حقیقت اینه که من احتیاج بکار دارم .
 افسر - خانم میتونن بفرمایین کسی دیگه اینجا ایشانومی شناسه هر چند علمی که امروز نبودین بهترین معرف شماس لسا - کی رو عرض کنم ، آقای بارون فون بسه ؟
 افسر - (بروی پاها می جهد) بسیار عالیست .
 لسا - میخوام که مرا بنام نامزدتان معرفی کنین .
 افسر - متوجه هستم - بموقمش حاضریم درباره شمشاهدات بدم که شما رومیشناسم (درب اطاق رو نیز افسر بلند میشود) من میروم . خدا حافظ خانم (افسر از اطاق خارج میشود)
 لسا - تنها در اطاق مانده قدم زنان طول و عرض اطاق را طی می کند . سپس با قدمهای محکم و مطمئن بطرف پنجره رفته و پرده هارا بالا میکشد .
 نور خیره کننده ای اطاق را روشن می کند .
 پایان

جای اداره: تهران - خیابان فرصت باشگاه ورزشی کورش

صاحب امتیاز و مدیر: قنمان صاحب بهای اشتراک - یکساله ۱۰۰ ریال شش ماهه ۵۰

آگهی

جلسه مشاوره پزشکی مجانی

تحت نظر آقایان:

دکتر ابراهیم برال (خیابان اسلامبول - آزمایشگاه باستور)
 دکتر بسیم برجیس (خیابان سیروس - مقابل داروخانه بین المللی)
 دکتر نصرت الله بیبا (خیابان سعدی)
 دکتر عطاء الله دانش راد (خیابان شهباز)
 دکتر یوسف روانشناس (سریبج شیران)
 دکتر نورالله شادی (سه راه ژاله)
 دکتر بقراط صفائی (صبحه دروازه شیران - عصرها چهارراه امیراکرم)
 دکتر رحیم کهن (بوذرجمهری - جنب سه راه سیروس)
 دکتر نصرات الله گلبن مقدم (سرچشمه)

هفته ای یکمرتبه تشکیل میشود . برای تعیین نوبت و اطلاع از شرایط پذیرایی بیماران بمطب هریک از پزشکان فوق مراجعه فرمائید .

سازمان بهداشتی یهودیان ایران

آگهی

دفتر باشگاه ورزشی کورش که مجهز با انواع وسائل ورزشی بوده و در تحت نظر مربیان ورزش اداره میشود همه روزه بعد از ظهرها برای ثبت نام اعضاء جدید آماده است آدرس: خیابان شاهرضا نزدیک مجسه فردوسی خیابان فرصت کوچه کلیسیا

سه داروی مورد لزوم برای هر خانواده قرص نورامون و ویرا تسکین دهنده فوری سردرد - دندان درد - سرماخوردگی پماد هادکس و ویرا

معالج سوختگی - بریدگی - زرد زخم - طاول و انواع تحریکات جلدی مخصوصا برای هر خانواده داشتن يك توله پماد هادکس ضروری است

قرص و رهیفوژ و ویرا

داروی مطمئن و موثر برای دفع کرم امعاء - برای اطفال و بزرگسالان جعبه ۱۵ عددی و پاکت ۴ عددی

چاپ رنگین

ما از اولیاء فرهنگ، از انجمن های مدارس

مانده از صفحه ۱
جای میدهد ولی یکبار هم مورد استعمال آنها در زندگی اقتصادی بشر توجیه پیدا نمیکند.
قدرت فکر، ابتکار چاره اندیشی از دانش آموز سلب میگردد و انسانی مطیع، تابع قضاوت قدر و فاقد اراده و فکر صحیح باز میآید هدف نه این است که دانش واقعی که فردا بخدمت مردم آید آموخته شود، بلکه منظور اصلی محصل بدست آوردن نمره ای و کسب کارنامه و دیپلمی است و بس.
صحیح است که ذوق کلی این معالیم از حدود قدرت اولیاء فرهنگ جامعه ما خارج است و مستلزم تئوری عینی در وضع عمومی اجتماع است ولی با وجود این آنها میتوانند، در حیطه قدرت و امکانات خود تا حدودی این نواقص را برطرف نمایند.
اگر دبیران کار آموخته ای بر سر کار باشند که زندگی مادیشان تأمین و فکری جز آموزش و پرورش اطفال نداشته باشند بکمال دانش آموزان و اولیاء مدارس میتوانند ابتکاراتی بخرج دهند که دانش آموزان واقعا دانش ولو مختصر هم باشد بیاموزد.
دبیران مجرب و دانش مند میتوانند آن سفر و حکایتی را که در فلان کتاب فارسی یا زبان خارجه طفل را به ناعت و صوفی مسلکی و لاابالی گری دعوت می کند مورد تجزی و تحلیل قرار دهند و غلط بودن آنرا بشاگرد بفهمانند و تاثیر سوء آنرا زایل گردانند.
دبیر فزیک و شیمی میتوانند ابتکاراتی بخرج دهند که با وسایل منادی محدود بعضی از مفاهیم مورد بحث را به صورت آزمایش در آورند و تئوریه و قواعد فیزیکی را در معرض دید دانش آموز قرار دهند و کاری کنند که شاگرد آنهارا درک کند و تئوری از مطالعه این دروس برگیرد.
دبیران ریاضی هم با اندک توجیه میتوانند پارا از حدودی که کتاب و برنامه کلاسیک تعیین نموده اند فراتر رفته و با ذکر امثله ای موارد استعمال علوم ریاضی را در زندگی منادی و معنوی انسان روشن سازند.
توجه باین مسائل بستگی دارد بدرجه علاقمندی دانش و وراحتی فکر آموزگار و دبیر.
امادر نتیجه تاثیر شرایط اقتصادی محیط ناچار است بدین فکر باشد که هر چه زودتر ساعت درسی تمام شود و از مدرسه خارج گشته برای تأمین معاش بسرکار دیگری برود، در شرایطی که ماهها حقوق ناچیز معلم در نتیجه کار شگنی حیرا عقب میماند و زود و فرزند وی گرسنه و لغت اند آله نمیتوان از وی بیش از این توقع و انتظاری داشت.
۲- موسسات فرهنگی ما نواقص دیگری دارند که بستگی بشرایط عمومی فرهنگ ندارد و با اندک توجیه در رفع آن میتوان اقدام نمود. در سال گذشته امکان تشکیل انجمن های ادبی و علمی که در بین دانش آموزان ایجاد وحدت و صمیمیت خواهد نمود آنها را بمطالعه و تفکر و خواهد داشت بدانش آموزان مدارس ما داده نشده است، اولیاء مدارس بایست فرزندان جامعه را کمک کنند تا با روش صحیحی این انجمن ها را تشکیل دهند و برای پرورش تفکر و بالا بردن دانش و ایجاد همکاری و صمیمیت با یکدیگر اقدام نمایند.
اگر چند نفری از دانش آموزان با اکثریت اختلاف نظری دارند نباید این

سازمان بهداشتی یهودیان ایران

مانده از صفحه ۱
خود کمترین تصویری بوزد بی شک گناه غیر قابل بخششی مرتکب شده زیرا آن کس که از منابع و منافع سرشار اجتماعی برخوردار میشود خواه نا خواه موظف است بقدر قوه خود و با طیب خاطر در بگردش انداختن چرخهای اجتماع از هیچ نوع کوشش و فداکاری دریغ ننماید.
در اثر گذشت زمان در پیشرفت دو عامل موثر ترقی اجتماع که عبارت از بهداشت و فرهنگ میباشد کاهش زیادی نصیبان شده است بطوریکه بهداشت و فرهنگ در محیط ما بمنزله کیما است.
علیهذا برای اداء دین اجتماعی به عموم علاقمندان بهداشت عمومی موده میدهد که یک عده از آقایان پزشکان جامعه و شایق ترقی مبانی اجتماع سازمانی بنام «سازمان بهداشتی یهودیان ایران» تشکیل داده اند که هدف آن عبارتست از:
الف- کوشش در بهبود وضع بهداشتی یهودیان ایران
ب- تسهیل امور درمانی بیماران بی بضاعت.
ج- همکاری با سایر سازمان های بهداشتی و درمانی
د- برای نیل به هدف نامبرده طرق زیر در نظر گرفته شده است:
۱- سخنرانی های بهداشتی
۲- انتشار مطالب بهداشتی و درمانی
۳- نظارت در طرز اجرای برنامه های بهداشتی و درمانی بین یهودیان ایران
۴- توسعه و ایجاد بنگاههای بهداشتی و درمانی.
لرؤمانند که میشود «سازمان بهداشتی یهودیان ایران» برنامه عمل خود را طوری تنظیم نموده است تا آنها که فاقد وسایل استفاده از اصول بهداشت و درمان هستند بتوانند با ساده ترین طریق هم بضرورت بهداشتی آشنا شوند و هم در درمان بیماری های خود تسهیلات کافی در اختیار داشته باشند.
بنابر این از علاقمندان بر شد اجتماعی این انتظار را داریم که نه تنها در همکاری با این سازمان که نظری بنیر از تعیین هدف خود ندارد از بذل مساعدت های لازم دریغ نفرمایند بلکه در تبلیغ هدف سازمان، بین افراد بکوشند تا هر کس با پیوستن باین سازمان علا اشتیاق و اراده خود را در ارتقاء مقام حیات اجتماعی بنصه پروریزساند.
سازمان بهداشتی یهودیان ایران
بنی آدم ما موقت این سازمان را در نیل به هدف های خیر خواهانه آن طلب می کنیم.
نکته ای که شایان تذکر است تنگ نظری روزنامه یهودی نیل دانیا و است به حزب زحمتکشان (معلوم نیست کدام يك از قطعات آن، جناح بقای یا ملکی) است که بجای تأیید علاقمندان ترقی جامعه جنبش آنرا مورد سخریه قرار داده و با «صلحخواه» معرفی نمودن آنان از یکسو کینه حیوانی خود را نسبت به نهضت صلح ابراز میدارد و از سوی دیگر بتصور اینکه علاقمندی فردی نسبت به نهضت صلح گناهی بس عظیم است می گوشت سازمان نامبرده را تخطئه نماید. بدنیست خوانندگان ما مطلع شوند که این مزدور فاشیسم نوع آمریکایی چگونه در شماره اخیر خود با سازمان نامبرده روبرو شده است در قسمت آخر گزارش «یوم کیبور» در صفحه ۶ چنین مینویسد: «در چند کنسای قسنتهای شمالی شهر چنتن از «صلح خواهان» که بفکر تشکیل سازمان جدیدی افتاده اند در لباس دلسوزی جامعه سخنرانی کردند. اطلاع میدهم در یکی از این کنسایها سخنگوی «سازمان در شرح تأسیس» با حرارت اظهار داشته است:

اخبار اسرائیل

مانده از صفحه ۱
وزیر کشاورزی دولت آلمان شرقی اعلام کرد که دولت وی آماده است در باره غرانمی که بایستی یهودیان پرداخته شود وارد مذاکره گردد.
بن: «ارست گولانبوم» وزیر کشاورزی جمهوری دمکراتیک آلمان شرقی ضمن بحث در باره مسئله غرامت در جواب خبرنگاران اظهار کرد که دولت اسرائیل تاکنون در باره دعوی خود از اینکشور هیچگونه مذاکره ای آغاز ننموده است و تمایلی باین امر هم نشان نداده است.
وی اضافه کرد: دولت آلمان شرقی با شروع این مذاکرات هیچگونه مخالفتی ندارد.
«گولانبوم» با داشتن عضویت در هیئت نمایندگی پارلمان آلمان شرقی برای مذاکره در باره اتحاد آلمان شرقی و غربی به «بون» رفته بود.
وی که رهبر حزب دهقانان آلمان شرقی است.
بغیر نگاران اظهار داشت که حکومت آلمان شرقی یهودیان آنکشور همه نوع مساعدت مینماید تا موسسات و کنسای های خودشانرا مستقر سازند و بدعیانی که ثروت شخصی از دست رفته خود را طلب کنند اموالشان را پس میدهد.
وی گفت دولت آلمان شرقی بخوبی به جنایاتی که علیه یهودیان انجام گرفته و رفت است و در جواب سؤال خبرنگاران اعلام نمود که اگر اسرائیل برای اخذ غرامت از این حکومت دعوی دارد خودش باید اقدام کند.
طبق اطلاعاتی که بعد از اسرائیل کسب نموده ایم بیانات وزیر کشاورزی آلمان شرقی در محافل دولتی مطرح گردیده و با احتمال قوی دولت اسرائیل در صدد دنبال کردن قضیه برخواهد آمد.
«برزلی» نماینده حزب میام در جشن ششمین سال تأسیس حزب سوسیالیست ایتالیا سخنرانی نمود.
جنوا: بندر بزرگ هفتصد هزار نفری «جنوا» با حضور نمایندگان کارگران کشورهای اروپایی جشن ششمین سال تأسیس حزب سوسیالیست ایتالیا را با مراسم مفصلی بر گزار نمود.
«تولیاتی» رهبر کمیونتهای ایتالیا بدینسانبیت بیانی ای منتشر نمود ضمن تبریک، خواستار برقراری همکاری عمیقتری بین دو حزب گردید.
«پیترونتی» رهبر حزب سوسیالیست درین جشن نطق مفصلی ایراد کرد.
«برزلی» که با ست ریاست هیئت اعرای حزب میام، برای شرکت درین جشن از اسرائیل آمده بود ضمن نطق مفصلی اظهار کرد:
ما با کمال مسرت دعوت شما را برای شرکت درین جشن پذیرفتیم زیرا شما هم رزم و هم فکر خود میداتیم. وجه مشترک ما، مبارزه تشابه ما در راه حفظ منافع طبقه کارگر، مبارزه علیه جنگ افروزان و امپریالیسم بیگانه است.
ما هم مثل شما علیه امپریالیسم... میخواهیم بیک اصل ۴ ترومن اقدام به حفر چاه عمیق آب در محله بنماییم. در یکی دو کنسای دیگر هم آقایان را در «ماسک جدیدی شناخته بودند اجازه صحبت با آنها ندادند»
زهی بداندیشی و تنگ نظری!
بهرحال بکوری چشم بداندیشان و مغرضین، ما موفقیت این سازمان و هر سازمان اجتماعی دیگر را کینه منظورش کسی بحال جامعه باشد طلب میکنیم نیکخواهان پیروز میشوند و گوردلان هرگز خود را می برند.

ملت ایران هزارمین

مانده از صفحه ۱
تشن کشی ها در شهر همدان بدروه حیات کفت. امروز در این شهر ملت ایران بمناسبت هزارمین سال تولد این دانشمند مقبره با شکوهی در محل مدفن سابق وی بنامی نهد. آثار علمی این سینا که اکثر آ بوزان عربی است و فقط قسمتی از آن بزبان فارسی تدوین شده بالغ بر ۱۵۰ جلد میشود که عده ای از آن مربوط طب می باشد.
بزرگترین افتخار این سینا کتاب مفصل وی در علم طب بنام قانون طب میباشد.
این کتاب نه تنها در شرق بلکه در سراسر جهان سالهای متمادی مرجع و منبع علم طب بشمار میرفت و باعث شد که به مصنف آن لقب «طیبساول» و «پادشاه اطباء» در مراجع اروپایی و «شیخ الرئیس» در مراجع شرقی داده شود.
عظمت و نبوغ این سینا نه تنها در شرق بلکه در همه دنیا زبان زد خاص و عام بوده و مورد تکریم و تجلیل دانش پژوهان است از این رو شورای جهانی صلح که یکی از وظایف خود را تجلیل و تکریم دانشمندان و فرهنگ پژوهان تمام ملل میداند و بسط ادبیات و فرهنگ ملل را یکی از مبانی حفظ صلح میشمارد برگزاری جشن هزاره بوعلی سینا را در دستور کار تمام صلح خواهان جهانی قرار داده است.

تذکره دوستانه

مانده از صفحه اول
آیا درج نظریات چنین فردی در روزنامه برای پروباکاند آن جز اینست که وجه مشترکی بین نظریات نویسنده و ناشر موجود میباشد. اگر چنین نیست و بین مندرجات روزنامه عالم نبود و نظریات هیئت تحریریه آن متفاوت میباشد آیا حمل بر این نمیشود که روزنامه نویسنده گانش آلت اجرای تبلیغات ناروای کسائی قرار گرفته اند که مسلما برق دولاچشان نشان را خیره نموده و با وجود یهودی بودن اعمال فاشیستی هموطن های خود را صفا میکنند.
آیا بهتر نیست که نویسندگان عالم بهبود مطالبی در روزنامه درج نمایند و نظریاتی را تبلیغ نمایند که برای خود آنان قابل دفاع باشد. اینست تذکر دوستانه ما به همکاران مطبوعاتی خود.
حیله گر، علیه سازشکاری با ارتجاع و فرمیزم، علیه پایسال کردن استقلال وطن خود و تبدیل آن بیابگاه ضد شوروی مبارزه میکنیم.
علیرغم تپانی هیئت حاکمه اسرائیل که به حکم و شکنج در دست حکومت ثونازی «بن» احیا کننده هیتلریزم انداخته است زحمتکشان اسرائیل دست دوستی بطرف کارگران ایتالیا دراز میکنند که مشترکا بخصاطر صلح جهان و ترقی مبارزه نمایند.
مسئله صلح برای همه ملل جهان و کلیه افراد بشر مسلم است ولی برای ملت اسرائیل مسئله ای است کاملاً حیاتی. ما نیازمند صلحی پایداریم تا در سایه آن بتوانیم تمرکز ملتان را در کشور مستحکم سازیم، ویرانیها را آباد کنیم مردم کشور را بکار و تولید واداریم و طبقه کارگر و کشاورز آگاهی در شهر در ده ایجاد کنیم تا بسا مبارزه قطعی طبقاتی خود استثمار را ریشه کن سازند. «برزلی» در پایان سخنرانی خود کمک های حیاتی کشور اتحاد شوروی و ملل دمکراسی شرقی را در مواقع بحرانی چنگ استقلال، بملت اسرائیل بیاد آور کردید و راجع بفاشیزم و تشونازیسیم اظهار کرد که هنوز حربه آلوده بسخون این جنایتکاران خشک نگردیده که یکبار دیگر آنرا از غلاف بیرون کشیده اند.
سپس از جانب حزب خود و از جانب مبارزان راه صلح اسرائیل «پیترونتی» مبارز بزرگ راه صلح تبریک گفت.